

تبصره بر نوشته اخیر محترم آقای ولی احمد نوری

نوشته ارزشمند محترم آقای ولی احمد نوری را تحت عنوان "دانش"، افتخار و سنگر دار زبان دری که بتاريخ اول دسامبر ۲۰۱۰ در پورتال وزین افغان جرمن آنلین نشر شد مطالعه نمودم و قبل از اینکه در مورد زبان دری فارسی تبصره ای داشته باشم بایست یاد آور شوم که نوشته های آقای ولی نوری آموزنده و حاکی از خلوص نیت است که در ترقی و تعالی وطن آرزو دارند و همچنان ما افغانها همه به افتخارات تاریخ چند هزار ساله ای که غنایم کلتور و فرهنگ ما است می بالیم. این کشور شاهد تمدن های کهن و درخشانی بوده مانند آریائی ها، کوشانی ها، غزنوی ها، تیموری ها و ابدالی ها که هر یک این تمدن ها اثرات مهم کلتوری، اجتماعی و سیاسی خوب و یا خراب از خود در این سرزمین بجا گذاشته اند.

در مورد فارسی دری من با ولی جان نوری تفاوت نظر ندارم ولی من سعی دارم یک قدم پیشتر رفته در این مقال توضیح نمایم که کلتور، فرهنگ و طرز روش افغانی ما تحت هجوم کشورهای بیگانه رفته است که این نقیضه به مراتب خطرناک تر از تفاوت زبان است.

زبان فارسی یک فارسی است و برای اینکه ما از ملت های دیگر متمایز باشیم زبان خود را به دری، فارسی پهلوی، فارسی تاجکی و فارسی سمرقندی تصنیف کردیم. لهجه ها از همدیگر متفاوت اند ولی استعمال کلمات که در جامعه فارسی زبان ها ایجاد گردیده شاید زاده و پرداخته محیط همان کشور باشد که در کشور فارسی زبان دیگر نامانوس است که باید جداً از استعمال این گونه کلمات خود داری شود و شما یک تعداد از این مثال ها را در نوشته خویش تذکر دادید اما از نگاه ساختمان گرامر و صرف و نحو، دستور و قواعد زبان فارسی تفاوتی وجود ندارد و نظر به احساسات ناسیونالیستی که کشورهای هم زبان و بخصوص همسایه ها و دیگر تفاوت های کوچک کلتوری مانند عرف، عادات، اقتصاد و حتی مذهب دارند میخواهند از ملیت های دیگر متفاوت باشند و احساس ناسیونالیستی و حسادت کلتوری در کشورهای عقب مانده و یا کشورهای روبه انکشاف به مراتب قوی تر است نسبت به کشورهای پیشرفته اقتصادی اروپا، زبان فرانسوی و یا آلمانی در چندین کشور اروپائی صحبت میشود، زبان آلمانی که در اطریش و سویس صحبت میشود عین همان زبان در آلمان با کمی تفاوت لهجه صحبت میشود و هیچ وقت کشورهای متذکره شکایت از این نداشته اند که چرا کلمات و اصطلاحات آلمانی به اصطلاح بیگانه اطریش در محاوره و نشرات آلمانی همجور آورده برخلاف از نویسندگان، هنرمندان، نقاشان و کمپوزرهای موزیک گذشته و امروز که میراث مشترک سرزمین آلمانی زبان است قدرانی میکنند. اما اینکه ما نتوانسته ایم از هجوم کلمات و لغات بیگانه و نامانوس در زبان فارسی دری جلوگیری کنیم از سهل انگاری، بی تفاوتی و سطح پائین دانش ملت ما بوده که نتوانستیم افتخارات تاریخی خود را توسط نوشته ها، تحقیقات و تتبعات و کاوش های علمی به جهان معرفی کنیم.

مهد تمدن در خشان آسیای میانه شهرهای بلخ، غزنی، هرات و نیشاپور بود که صرف یک نیشاپور به ایران تعلق دارد ولی سه شهر با عظمت و درخشان کلتوری تعلق به کشور ما دارد و ما متأسفانه قادر به این نیستیم که از افتخارات و مباحث گذشته تاریخی خود دفاع کنیم و در این مورد قطعاً از نگاه علمی و ادبی نه تنها کاری از پیش برده نتوانستیم بل یک اتحاد نظر به ارزشهای تاریخی خود هم نداریم، حال یک کشور دیگر مانند ایران صدها نه بلکه هزارها کتب، رساله ها و کاوش های به اصطلاح علمی و تاریخی را در مورد آریانا و خراسان به نشر رسانیده و تاریخ ایران را بکلی یکصد و هشتاد درجه دور داده آریانا و خراسان را میراث نیاکان خویش معرفی کرده اند و کشور افغانستان، تاجکستان و سمرقند و بخارا را بی تاریخ و بی کلتور جلوه میدهند. مشکل بزرگ ما در چه است؟

افغانستان مدت سی سال است که با روسیه شوروی و بعد جنگ های داخلی که توسط رهبران خود خوانده در افغانستان آغاز شد و بالاخره هجوم پاکستان تحت پوشش طالبان زیر بنای اجتماعی و سیاسی کشور بکلی از بین رفت و اکنون کشور ما مانند طفلی است که تازه تولد شده و شیوه راه رفتن را می آموزد و مدت زیاد از بیست سال است که شش میلیون افغان در پاکستان و چهار میلیون دیگر به ایران به شکل مهاجر زندگی نموده و افغانها در این دو کشور تولد شده زبان، کلتور و طرز روش شان یا پاکستانی است یا ایرانی و هر روند اجتماعی ما را مهاجرین برگشته از این دو کشور با پاکستان و ایران مقایسه میکنند و حتی اقتصاد ما تحت کنترل پاکستان و ایران است و نظر به احصائیه اخیر واردات پاکستان در افغانستان زیاد از دو میلیارد دالر است و همچنان ایران به مبلغ یک میلیارد

دیانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلین تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادښت: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

دالر در افغانستان واردات داشته اند. و حتی سیستم معماری پاکستان در ساختمان تعمیرات رهائشی کشور نفوذ نموده، ساحه وزیر اکبر خان زمانی دارای بهترین منازل با نقشه های مدرن به سبک اروپا بود ولی امروز سیستم پاکستانی که دارای کتاره های سرخ و سبز بدور تعمیرات بنا شده و تعمیرات یکی بالای دیگر به شکل بام بتی آباد که به کراهت منظر وزیر اکبر خان افزوده است و ما مشاهده میکنیم که نه تنها کلمات نا مانوس فارسی بل تاریخ درخشان کشور ما، فرهنگ، کلتور، آداب معاشرت و حتی صنعت معماری ما مورد هجوم کشورهای بیگانه رفته و ما بانیست در چندین بخش حساسی کشور تغییر که فرهنگ و کلتور است با این دو کشور به مجادله برخیزیم که در این مورد دانشمندان، محققین و نویسندگان ما این نقص بزرگ اجتماعی را توسط نوشته ها، مصاحبه ها و مباحثات، ذهن و فطرتان ما را روشن بسازند.

پایان

د پانو شمیره: له ۲ تر 2

افغان جرمن آنلاین په درښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادښت: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ